

عنوان مقاله:

رهیافت «معنویت همدلانه» بر مبنای خوانش آرمسترانگ از نظریه عصر محوری یاسپرس

محل انتشار:

فصلنامه حکمت و فلسفه، دوره 20، شماره 77 (سال: 1403)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسنده:

محمدحسین کیانی - استادیار دانشگاه بین المللی اهل بیت (ع)، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

هدف این مقاله تحلیل خوانشی است که از توجه آرمسترانگ به نظریه عصر محوری در جهت ارائه رهیافتی معناگرایانه برای برون رفت از چالش های معاصر به دست می آید و اینکه این خوانش تا چه اندازه بر مبنای اندیشه یاسپرس پیرامون عصر محوری و هستی خاص انسان (Existenz) دارای وثاقت است؟ فرضیه مقاله اینکه می توان خوانش عمیق تری از تقریر آرمسترانگ به دست داد؛ این بازخوانی ما را به مدلی تحت عنوان «معنویت همدلانه» رهنمون می سازد و اینکه این مدل تحت دو مقوله قوام می یابد: نخست، جنبه سوژکتیو به مثابه خوداندیشی که بر استعلای وجودی به منظور «خودشکوفایی» تاکید دارد. بدین سان، خودشکوفایی قرین تلاش استعلایی و جهش اگزیستانسیال است که با فلسفه ورزی برای قیام حضوری و کوشش وجودی برای حضور در ساحت اگزیستانز به انجام می رسد. دوم، جنبه ایزکتیو به مثابه ارتباط که بر رابطه مشفقانه به منظور «دیگرشکوفایی» تاکید دارد. بدین سان، دیگرشکوفایی قرین تلاش من استعلایی به منظور تحقق ارتباط مشفقانه با دیگری است که با فلسفه ورزی و تحقق ارتباط خیرخواهانه به انجام می رسد. این جنبه موبد این نکته است که «من معنوی نخواهم بود مگر در پرتو تلاش مشفقانه برای معنوی شدن دیگری».

کلمات کلیدی:

سوژکتیویته، استعلا، ارتباط، معنویت گرایی، زیست معنوی، یاسپرس

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2045211>

